

دریچه

آسیب‌شناسی وکالت فروش خودرو

فرداد ظفرمحمدی*

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۸

در امر خدمت‌رسانی دفاتر اسناد رسمی از جمله مواردی که از منظر آسیب‌شناسی می‌تواند مطرح شود، الزام‌های سخت‌گیرانه قانونی است که در تنظیم سند وکالت فروش خودرو عهده دفاتر اسناد رسمی گذارده شده و سردفتران دفاتر اسناد رسمی، ناگزیر، مقید به تبعیت از مقررات قانون می‌باشند.

عرف جاری معامله خودرو بر این است که اکثر مردم به‌منظور انجام سریع فرایند فروش و واگذاری خودرو و اخذ ثمن معامله، با دلالتان خودرو (متصدیان نمایشگاه خودرو) وارد معامله می‌شوند. به این ترتیب که ضمن تنظیم مبایعه‌نامه عادی فروش خودرو، به‌موجب وکالت‌نامه رسمی، اختیارات راجع به اقدامات کاری لازم جهت فروش خودرو به دلالت داده می‌شود. دلالت مزبور با اختیار حاصل از وکالت‌نامه و با لحاظ صرفه و صلاح، خودرو متصرفی را با مشتری معامله و به او واگذار می‌کند. لیکن برابر تبصره یک ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۸۶/۱۱/۹: «دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند قبل از تنظیم هر نوع سند

*. نویسنده مسئول؛ سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۸۴ اردبیل.

بیع قطعی، صلح، هبه و وکالت برای فروش انواع خودرو مشمول مالیات، ... هم‌چنین رسید پرداخت مالیات نقل و انتقال، موضوع این ماده را طبق جداول تنظیمی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، از معامل یا موکل اخذ و در اسناد تنظیمی ... درج نمایند» و برابر تبصره ۲ ماده ۱۲۳ قانون ثبت اسناد و املاک (موضوع ماده ۱۰ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷): «حق‌الثبت اسناد وکالت برای فروش وسایط نقلیه موتوری و ماشین‌آلات راهسازی و مصرفی و کشاورزی و موتورسیکلت و نظایر آن‌ها مطابق حق‌الثبت سند قطعی آن‌ها می‌باشد». بنابراین با توجه به عرف معاملات خودرو و مقررات مواد قوانین مذکور، حقوق دولتی (حق‌الثبت و مالیات نقل و انتقال) تنظیم سند رسمی وکالت فروش خودرو نیز مشمول اخذ حقوق دولتی معادل حقوق تنظیم سند رسمی انتقال قطعی همان خودرو می‌باشد. به این معنی که هنگام تنظیم سند وکالت فروش خودرو حقوق دولتی مربوط معادل حقوق دولتی نقل و انتقال توسط مالک تأدیه می‌شود و چنانچه وکیل، خودرو مورد وکالت را به شخص ثالثی انتقال دهد یا اختیارات حاصل از وکالت‌نامه مزبور را به شخص ثالثی تفویض نماید او نیز در هر دو صورت، باید هزینه دولتی مرقوم را مجدداً بپردازد؛ (نوبت اول توسط موکل (مالک خودرو) هنگام تنظیم سند وکالت فروش خودرو و نوبت دوم توسط وکیل هنگام اجرای مفاد وکالت فروش و تنظیم سند نقل و انتقال مورد وکالت یا تفویض وکالت به غیر) که در عمل این خود موجب بروز برخی ناهنجاری‌های زیر است:

الف) ناهنجاری حقوقی: برابر ماده ۶۵۶ ق.م. «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید». بنابراین از حیث حقوقی، وکیل، نماینده موکل است و امور محوله از طرف موکل را به وکالت انجام می‌دهد. با توجه به این که موکل (مالک خودرو) به هنگام تنظیم وکالت‌نامه رسمی فروش خودرو، حقوق دولتی مربوط را پرداخت کرده است، الزام وکیل او هنگام اقدام و اجرای مورد وکالت، به پرداخت مجدد حقوق دولتی که قبلاً تأدیه شده، به نظر خالی از اشکال نبوده و قابل توجیه نمی‌باشد. چه بسا برابر ماده ۳۳۵ ق.ت. مصوب سال ۱۳۱۰؛ «قرارداد دلالتی اصولاً تابع مقررات

راجع به *وکالت است*»، امر وکالت اساس کار صنف دلالت و از جمله دارندگان نمایشگاه اتومبیل و نیاز فعلی جامعه پویا می‌باشد.

ب) ناهنجاری اجتماعی: بار شدن مضاعف و غیرقابل توجیه هزینه دولتی مورد بحث و از طرف دیگر نیازمندی اشخاص جامعه به این نهاد مهم حقوقی، علاوه بر ایجاد نارضایتی عمومی، چگونگی تنظیم و ثبت قانونی و صحیح اسناد امور و معاملات اشخاص در دفاتر اسناد رسمی را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. زیرا برای برخی مردم و دست‌اندرکاران، این توجیه و اقناع وجدانی حاصل می‌شود که به‌موجب آن بتوانند جسارت تبانی و ابداع برخی روش‌های قانون‌گریزی را داشته باشند و بالتبع، تنظیم و ثبت غیرصحیح امور در برخی مراجع رسمی، پایه‌گذاری و به تداوم آن، اصرار گردد.

ممکن است دو ایراد ذیل‌الذکر مطرح شود:

- اگرچه طرفین وکالت فروش خودرو به ظاهر و به‌موجب وکالت‌نامه، صرفاً اختیارات تصرف از جمله انجام معامله و واگذاری به وکیل داده می‌شود لیکن در حقیقت مبادرت به معامله کرده و حتی ثمن و مئمن بین آن‌ها مبادله می‌شود، در حالی که پرداخت حقوق دولتی، پرداخت نشده و مغفول می‌ماند.

- چون در عرف جامعه واگذاری تصرف خودرو به‌موجب وکالت‌نامه برخلاف آثار و تبعات حقوقی آن، نقل‌وانتقال مالکیت تلقی می‌شود و ممکن است افراد کثیری از این جهت متضرر شوند، مجموعه حاکمیتی به‌عنوان تنظیم‌کننده روابط و حافظ حقوق مردم با قانون‌گذاری، سخت‌گیری‌هایی اعمال می‌نماید تا مردم به جای تنظیم سند وکالت فروش خودرو، به تنظیم سند نقل‌وانتقال مبادرت کنند. در پاسخ به این ایراد به اجمال گفته می‌شود که: در عمل، آنچه در این خصوص در بطن جامعه ملحوظ می‌باشد این است که با اجرایی شدن تبصره‌های قوانین مورد بحث، تمایل و انگیزه مردم برای انجام معاملات عادی و غیررسمی قوت بیشتری پیدا کرده است و در حالی که در معاملات غیررسمی، الزام و ابزار متناسب اطمینان‌بخشی جهت تأدیه حقوق دولتی وجود ندارد. و پر واضح است که

تحقق این مهم، مستلزم اعمال نظارت مجموعه حکومتی بر مناسبات و روابط مردم و تصحیح آن، ضرورتاً تدوین و اعمال قوانین سخت‌گیرانه نیست.

پیشنهاد:

به‌منظور جبران مشکلات پیش‌گفته و ایجاد زمینه و امکان ارائه خدمات مورد نیاز مردم در دفاتر اسناد رسمی و از طرفی، لزوم رعایت مقررات و تأمین نظر قانون‌گذار در تدوین مواد قانونی مذکور، به‌نظر می‌رسد مراجع رسمی از جمله کانون سردفتران و دفتریاران و سازمان ثبت و سازمان مالیاتی کشور با تهیه و تدوین طرح توجیهی متناسب و تقدیم لایحه‌ای مبنی بر تعدیل شمول مواد قانونی مذکور، ماده‌ای در مرجع قانون‌گذاری تصویب گردد که به‌موجب آن؛ «اقدام وکیل بلاواسطه مالک خودرو به تنظیم سند نقل و انتقال خودرو به نام خود و یا غیر یا تنظیم سند تفویض وکالت به غیر، مشمول موضوع تبصره یک ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و موضوع تبصره ۲ ماده ۱۲۳ قانون ثبت اسناد و املاک (موضوع ماده ۱۰ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) نباشد و فقط حق‌الثبت سند غیرمالی وصول گردد. تبصره: حقوق دولتی (حق‌الثبت و مالیات نقل و انتقال) مربوط به هرگونه اقدام وکیل مع‌الواسطه مالک خودرو به تنظیم سند نقل و انتقال به نام خود یا غیر یا تفویض وکالت نقل و انتقال خودرو به نام غیر معادل حقوق دولتی نقل و انتقال خودرو در زمان ثبت سند مربوط است»؛ فواید پیشنهاد: بدیهی است در این صورت، علاوه بر این که امر وکالت فروش اتومبیل احیا و معضلات پیش‌گفته مرتفع می‌گردد، در گستره اعمال آن محدودیتی ایجاد و از سوءاستفاده‌های احتمالی مدنظر قانون‌گذار جلوگیری می‌شود.

فواید و آثار ذیل را نیز در بردارد: ۱ - چون فقط اقدام وکلای مع‌الواسطه مالک خودرو (تنظیم سند انتقال خودرو به نام خود یا غیر یا تنظیم سند تفویض وکالت فروش خودرو به نام غیر) مشمول مقررات تبصره مواد قانونی مذکور خواهد بود، تمایل مردم به تنظیم سند رسمی افزایش می‌یابد.

۲ - معاملات و گردش ثروت کشور در بخش معاملات خودرو، رسمیت و قابلیت استناد

پیدا می‌کنند.

۳ - به تبع رشد آمار معاملات رسمی و افزایش وصول حقوق دولتی اخذشده از سوی دفاتر اسناد رسمی، به میزان درآمد عمومی دولتی ناشی از حق الثبت، مالیات نقل و انتقال، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر مشاغل، افزوده خواهد شد.

۴ - از اتلاف وقت فروشندگان خودرو به جهت مراجعات مکرر، بین نمایشگاه خودرو، مراکز تعویض پلاک و پلیس + ۱۰ و معاینه فنی خودرو و بانکها و دفاتر اسناد رسمی جلوگیری می شود و دلالت و متصدیان نمایشگاه اتومبیل می توانند به وکالت از طرف تعداد کثیری از فروشندگان خودروها اقدامات مربوط را انجام دهند که این خود موجب کاسته شدن مسافرت های تک نفری و کمک به روان شدن ترافیک شهری می شود.

۵ - اختلافات ناشی از معاملات عادی کاهش یافته و در نتیجه از ورودی پرونده ها به مراجع قضایی کاسته می شود.

